

نمادشناسی گریفین در هنر ایران پیش از تاریخ تا دوره ساسانی

زینب (آتوسا) عباسی

کارشناس ارشد باستان‌شناسی و مدرس

atousa.abbasi73@gmail.com

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۲۷)

چکیده

آثار هنری در طول قرون متمادی نمایشگر فرهنگ، باورها و عقاید هر قوم بوده و با تاریخ هنر اقوام پیوند ناگسستنی دارد. افسانه‌ها و اسطوره‌ها به عنوان جلوه‌ای از فرهنگ با خلاقیت قومی رابطه مستقیم داشته‌اند و نقوش اسطوره همراه با راز و رمز بخشی از فلسفه نقش را به خود اختصاص می‌دهند. بخش اعظم باورهای کهن هر قومی را خدایان، اسطوره‌ها و افسانه‌ها تشکیل می‌دهند؛ از شخصیت تاثیرگذار این اسطوره‌ها موجودات ترکیبی و خیالی هستند که از ترکیب دو یا چند موجود دیگر پدید آمده‌اند. یکی از این موجودات ترکیبی مهم در افسانه‌های کهن ایران و تمدن‌های باستان، گریفین می‌باشد. گریفین نخستین بار در هنر مصر تجلی یافت، اما در اسطوره‌های ایران - بین‌النهرین - یونان و هند نیز حضوری پررنگ داشته است. نقش گریفین در آثار هنری و معماری ایران نماد چه بوده است؟ این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی و به شیوه کتابخانه‌ای بهره‌گرفته است. سرستون‌های هخامنشی یکی از مشهورترین مصنوعات بشری هستند که گریفین را نمایش می‌دهند. قدیمی‌ترین گریفین کشف شده از آسیای مرکزی به سده پنجم و چهارم پ. م برمی‌گردد و به حکومت‌های تابع امپراتوری هخامنشی متعلق است. نتایج بدست آمده در این پژوهش حاکی بر این است دربره‌های مختلف حکومتی ایران بنا به شرایط قومی، فرهنگی، باورها و اعتقادات در شکل‌فرم و نام این موجود اسطوره‌ای-ترکیبی تغییراتی رخ داده است. نخستین نمونه‌های گریفین مربوط به هنر مارلیک ۱۲۰۰ ق. م شروع شده و بهترین نمونه آن در هنر هخامنشی رسیده، در هنر هخامنشی تاثیر هنر بین‌النهرین آشکار است اما نمونه‌های پیشین متأثر از هنر مارلیک است. در دوره اشکانی ادامه آن کم‌رنگ‌تر و متفاوت‌تر شده و در نهایت به تغییر شکل فرمی این موجود اساطیری در دوره ساسانی ختم شده است.

واژگان کلیدی: ایران، هخامنشی، ساسانی، گریفین، اسطوره

مقدمه

باورها، اعتقادات و نگرش مردمان به جهان پیرامون بخشی اعظم هنر و فرهنگ هر ملت را تشکیل می‌دهد. آثار بزرگ هنری در طول قرون متمادی بر اساس این نگرش استوار بوده است. با علم و آگاهی در این زمینه علاوه بر لذت بصری از زیبایی‌های هنری به اندیشه سازندگان این آثار نیز پی می‌بریم. چرا که هر خط و فرم برای خود مفهومی دارد. از آنجا که اصالت و عظمت یک قوم و فرهنگ آن مستقیماً در هنر آن جلوه می‌کنند. بنابراین آثار هنری نماینده فرهنگ و تمدن هر قوم بوده است و با تاریخ هنر ملت‌ها پیوندی ناگسستنی دارد. آشنایی با فرهنگ‌ها و باورها از طریق مطالعه نقوش نمادین در هنر امکان‌پذیر است. زیرا که بیشتر نقوش و تصاویر سرشار از مفاهیم است. برای درک این مفاهیم ضرورت دارد که تمامی علائم و نقوش که در آثار هنری و تاریخی دارای ویژگی نمادین هستند شناسایی شود، نمادهای بکار رفته در آثار هنری و تاریخ ایران اغلب بر مسایل آرمانی و اعتقادی مردم تکیه دارد. فرهنگ ایران دیر باز به باورها و اسطوره‌هایی مربوط بوده که هر کدام مبین نیازی خاص و بازتاب آرزویی ملی و جهت یافته بوده است. در مورد این موجود اسطوره‌ای ترکیبی توسط پژوهشگران و باستان‌شناسان نظراتی ارایه شده که در این پژوهش به آنها پرداخته شده است. ۱) فتانه محمودی (۱۳۷۷) "در بررسی

نقوش ترکیبی مهر ساسانی" چنین نوشته است: در زمان ساسانی نقش پرنده ای رایج می‌شود، این پرنده ترکیبی از بدن شیر، سری شبیه به سگ یا شیر بالها و چنگ‌ها عقاب و دمی از پر طاووس. مفهوم رساندن خوشبختی و خیر بودن زندگی را دارد. ۲) عزت‌الله نگهبان (۱۳۷۸) "در حفاری مارلیک" جامی را کشف کرده که در چهار طرف این ظرف نقش‌گیری تصویر شده، نیمه جلویی این موجود کمی به عقاب واقعی نزدیک است. نقش این جام از ادبیات و داستان‌های اولیه سرچشمه گرفته است. ارتباط و تاثیر ادبیات این اقوام را روی ساخته‌های هنری به خوبی نمایان کرده است. ۳) مهرناز کرمی (۱۳۷۹) "در کتاب تاثیر متقابل موجودات افسانه‌ای دو تمدن ایران و بین‌النهرین" چنین نوشته است: گریفین هخامنشی که در این دوران بیشتر به هما معروف است فرمی انتزاعی دارد. گوش‌ها در طرفین به بالا می‌باشد در این دوره تاثیر پذیری از هنر بین‌النهرین را در شکل فرم گریفین نباید از نظرها دور داشت. هخامنشیان گریفین را نگهبان در برابر اهریمن - جادو - و دروغ می‌دانستند.

بنا به فرضیات علمی نگارنده در این پژوهش میتوان گفت: "گریفین (شیردال) پرنده ای اسطوره‌ای ترکیبی است، که از ترکیب بدن شیر - سر عقاب - و گوش‌اسب تشکیل شده است. شیر نماد: نگهبان، محافظ، امنیت و قدرت. عقاب نماد: توانایی و عظمت. اسب

که در این حیطة به چاپ رسیده اطلاعات جمع آوری اوری شده است. وهمچنین فرضیات علمی نگارنده، موضوع توصیف وتحلیل شده است.

پیدایش وخاستگاه گریفین

گریفین^۱ (شیر دال) به تعبیر دانشمندان تاریخ هنر و باستان شناسی دال به معنای عقاب می باشد از مرغان اسطوره ای دنیای باستان می باشد این موجود عجیب الخلقه که نمونه هایی از آن در افسانه ها و هنر بین النهرین، مصر، یونان، هند و ایران مشاهده شده از نیمه جلو به شکل عقاب و نیمه پشت شیر می باشد. این پرنده در بعضی از ادوار تاریخی ایران هما نامیده شده است. در متون ادبی فارسی مرغی به نام هما آورده شده که جایگاه رفیعی در ادبیات و باورهای ایرانیان داشته است. چنانکه آن را موجب سعادت می دانستند و می پنداشتند که سایه اش بر سر هر کسی افتد او را خوشبخت کند. هما یا همای در لغت به معنای فرخنده است و در فرهنگ معین نوعی عقاب معرفی شده است. در متون زرتشتی نیز از آن نام برده شده و وی را مظهر فره کیانی می دانستند. (خلف تبریزی، ۱۳۷۲: ۷۶)

شیردال یا گریفین یا هما می تواند همان عنقا یا سیمرغ اساطیری و افسانه های سنتی نیز باشد که در شاهنامه ی فردوسی به آن اشاره شده است. برکسی پوشیده نیست که اساطیرو

نماد: اصالت ونجابت می باشد. پس گریفین نماد نگهبان وعظمت واصالت رانشانگر بوده است. نگهبان در برابر شر وبدی ومحافظ صلح وامنیت بوده ونقش تصاویر بر روی آثار هنری ومعماری بزرگی، قدرت واصالت قومی ایران رانشان می داده است، وهمچنین باورها وعقاید ملی- مذهبی رامنعکس وبعنوان یک اسطوره ملی- مذهبی تلقی شده است. " در این پژوهش قصد بر این است که پیدایش وخاستگاه گریفین ونماد شناسی گریفین در هنر ملل باستان ونقش ونماد گریفین در هنر ومعماری ایران از پیش از تاریخ و دوره باستان از هخامنشی- اشکانی- ساسانی پرداخته شود. در دنیای باستان اسطوره ها بعنوان جلوه ای از فرهنگ با خلاقیت های قومی رابطه ای مستقیم داشته ونقوش اسطوره و هنر، خاستگاه و هدف مشترکی داشته اند. از عناصر عجیب با دنیای اساطیری موجودات خیالی وافسانه ای هستند یکی از این موجودات اسطوره ای شیر دال یا به تعبیر باستان شناسان گریفون می باشد که از دیرباز در بین تمدن های باستان چون ایران- بین النهرین- مصر- یونان- وهند شناخته شده ودر هنر این اقوام جایگاه رفیعی داشته است.

روش پژوهش

در این پژوهش به روش توصیفی- تحلیلی وبا رجوع به کتابخانه ها ومطالعه کتابها ومقالاتی

وسطی در نمونه نقاشی‌های مینیاتور مستعدی (متاثر از مسلمانان اسپانیا) و آثار پس از آن گریفین نقش مایه‌ای متداول بوده و در بازنمایی عناصر متضاد به کار رفته است.

در مورد خاستگاه گریفین علیرغم حضور ستایش شده‌ی نمونه‌هایی از این موجود در هنر یونان باستان در بین اسطوره‌های تمدن یونان نمی‌توان جایگاه بر جسته‌ای برای گریفین به میان آمده و جدا از مورد توجه بودن آن به عنوان جانوری که ارابه‌ی خدایان و الهه‌های یونانی را به پیش می‌برد، در دیگر موارد به عنوان یک موجود کاملاً عادی با آن برخورد شده است. در واقع می‌توان گفت که گریفین از طریق داستان‌های اقوام دیگر و ارتباط‌های فرهنگی وارد فرهنگ یونانی شده و ابتدا به ساکن متولد فرهنگ و افسانه‌های یونانی نیست. (کریستن سن، ۲۰۰۴: ۱۳۸۱)

همچنین اسامی متعددی برای این موجود ترکیبی ذکر شده و نیز با فرم‌های متنوع در هنر ملل مختلف یا حتی در هنر دوران مختلف ایران و دیگر اقوام ظاهر شده است همین طور نیز از مکان‌های مختلفی به عنوان موطن اصلی این پرنده‌ی افسانه‌ای نام برده شده است. شاید آسیا خاستگاه گریفین یا شیردال می‌باشد هرودت از رشته کوهی به نام Issedones در شمال آسیا نام برده است. (سکاها: ساکنان شمال آسیا) می‌داند و معتقد است عقاید و باورها حول گریفین توسط مهاجرت این قوم به نقاطی مانند ایران و یونان رفته است. (

داستان‌های تاریخی شاهنامه‌ی فردوسی بر اساس قدیمی‌ترین متون پهلوی ساسانی که آن نیز بدون شک از قدیمی‌ترین ادبیات و داستان‌ها و باورهای اولیه‌ی اقوام هند و ایرانی سرچشمه می‌گرفته تنظیم و سروده شده است. فردوسی در این کتاب عظیم از پرنده‌ای به نام سیمرغ داستان‌هایی ذکر کرده است. (سیمرغ در متون ادبی فارسی و عربی عنقا نیز نامیده شده است) در کتاب عجایب‌المخلوقات از عنقا، هما و عقاب نام برده شده و در اوصاف این سه پرنده آمده که عنقا از مرغان بزرگ و شاه مرغان است و همان است (طوسی، ۱۳۴۵: ۱۴۲)

در کتاب فرهنگ نمادها در اوصاف گریفین آورده شده است: نیمه‌ی جلوی آن شبیه عقاب و نیمه‌ی پشت آن شبیه شیر و دمی نیز همانند مار دارد ترکیب این دو جانور بلند مرتبه منسوب به خورشید (شیر و عقاب هر دو از نمادهای میترا، مهر یا خدای خورشید بوده‌اند) شخصیت ممتاز و برجسته‌ای به این موجود اساطیری می‌دهد یونانیان باستان گریفین را وقف آپولون و نمسیس کرده بودند. گریفین نیز مانند بعضی دیگر از جانوران افسانه‌ای ایستاده در کنار درخت زندگی و صف شده و عنوان نگهبان و محافظ جاده‌های منتهی به رستگاری راداشته است. از نقطه نظر روانشناخته کتاب گریفین را نمادی از ارتباط بین انرژی فکر و روح با نیروی کیهانی موجود در طبیعت معرفی می‌کند در هنر مسیحی قرون

شکل ۱) اما (به تعبیر دانشمندان تاریخ هنر و باستان شناسی) خاستگاه و ریشه‌ی گریفین را مربوط به سرزمین هند و تمدن باستانی آن می‌داند می‌توان ریشه‌ی باورها در باره‌ی گریفین را در داستان‌ها و افسانه‌های قوم هند و ایرانی نیز جست و جو کرد.

اما نظر قابل توجه دیگری نیز وجود دارد و آن اینکه در هنرها گریفین برای اولین بار در هنر بین‌النهرین و مصر باستان تجلی یافت نکته‌ی دیگری که در بیشتر این نظرات مشترک است این‌که هر یک به نوعی گریفین را ساکن کوهستان‌های رفیع و متعلق به نقاطی می‌داند که از گنجینه‌های طلا برخوردار بوده و شاید از همین روست که در بحث نمادگرایی یکی از نمادهایی که به این پدیده نسبت داده می‌شود طلا، حس طلا دوستی و نگهداری و مراقبت از گنجینه‌ها طلا می‌باشد (اندره گدا، ۱۳۷۷: ۱۵۱)

نماد گریفین در هنر ملل باستان:

از آنجایی که گریفین با شیردال موجودی ترکیبی از شیر و عقاب می‌باشد از یک سو دارای برخی از نمادهای این دو موجود مقدس و باستانی است و از سوی دیگر برخی از مفاهیمی که به آن نسبت داده شده مختص گریفین می‌باشد. از همین روی ابتدای اشاره مختصری به مفاهیم نمادین شیر و عقاب در دنیای باستان خواهد شد. شیر که از موجودات مقدس و نمادین اکثر تمدن‌های باستانی و از جمله ایران می‌باشد نماد جانوری ایزدمهر در

ایران باستان بوده و حافظ و نگهبان سرزمین قلمداد شده و به مناسبت دارا بودن قدرت زیاد مظهر نیرو و قدرت پادشاه و مظهر مبارزه معرفی شده است شیر مهم ترین نماد مهر است چرا که وی چهارمین مرتبه از مراتب ایزد مهر و نخستین مرتبه از مراتب اعلی به شمار می‌رفت عقاب را تیز پروازترین و قدرتمندترین پرنده‌ی آسمان می‌دانستند و برای آن احترام و تقدیس خاص قابل بودند تا حدی که عقاب برای آنان خدای پرواز اقتدار و تعالی نیز به شمار می‌رفت در ایران باستان عقاب نشانگر عقاید مذهبی بوده و با بال‌های گسترده نشانه‌ی برتری حمایت و مظهر خدای توانایی بوده است بنابراین می‌توان دریافت که شیردال یعنی ترکیب دو جاننداری که یکی شاه حیوانات و دیگری فرمانروای آسمان‌ها دانشسته‌اند تجلی و مظهر چه مفاهیمی بوده است (عرب گلپایگانی، ۱۳۷۶: ۱۲۴)

مهم‌ترین نمادی که به گریفین نسبت داده شده خورشید است. متخصصان هنر باستان گریفین را موجودی شرقی و آنرا نماد خورشید و روشنایی می‌دانند گریفین یا شیردال نمادی از قدرت عظیم پادشاه نیروی فوق‌العاده و توانایی لشکریان و هم چنین نیروی محافظ و نگهبان بوده است از دیگر مفاهیم می‌توان به خوش یمنی و خجستگی این موجود اشاره کرد چنانچه در زمان ساسانیان نقش آن بر روی منسوجات و ظروف مفهوم خیر بودن زندگی را برای دارنده‌ی آن داشته است. در برخی

نقوش اولیه گریفین در کنار درخت زندگی تصویر شده که می توان آن را در راستای همان نگهبانی و محافظت از شر نیروهای اهریمنی تأویل کرد. (محبی، ۱۳۷۲: ۵۶)

هندویان گریفین را منسوب به خدای خورشید فرض کرده و یونانیان باستان وی را با آپولون، آتنا و دیونیسوس مرتبط می دانستند و او را وقف آپولون نمسیس کرده بودند چنانچه پیشتر گفته شد این موجود سمبل طلا و فلزات گرانبها بوده و از اینرو وی را نگهبان گنجینه ها و خزائن نیز می دانستند. (طوسی، ۱۳۴۵: ۱۵۰)

از معروف ترین ویژگی هایی که در توصیف شخصیت گریفین نقل شده طلا دوستی است. چنانچه طلا نمادی از خورشید است و از آنجا که گریفین وقف شده ی خدای خورشید می باشد ارتباط این دو طبیعی به نظر می رسد همچنین نوشته شده که گریفین غریزه ای طبیعی برای یافتن طلا، زمرد و دیگر گنجینه های مدفون دارد و از همین رو با انسان هایی که قصد سرقت گنجینه وی را داشته اند، دشمنی داشته است. نیز این باور بوده که تخم این پرنده ای افسانه ای از جنس عقیق بوده و استفاده ی معجزه آمیز پر این جانور در درمان کوری و بینایی بخشی به وی نسبت داده می شود. (این باور داستان شاهنامه درباره ی شفابخشی پرسیمرغ در درمان زخم ها را به خاطر می آورد) نیز در دوران هخامنشی این پرنده نمادی از مفهوم خردورزی ایرانیان بوده است. از دیگر مفاهیم نمادین گریفین سرشت و

طباع دوگانه می باشد یا به عبارت دیگر تضاد طباع مخالف مانند خیر و شر، شب و روز، خورشید و ماه. چنانچه از یک طرف گریفین سمبل خورشید بوده و از طرف دیگر سمبل تضاد و جنگ بین خورشید و ماه بوده است. (خلف تبریزی، ۱۳۷۲: ۸۲)

نقش گریفین همه جا بازگو کننده ی صفات مثبت مانند حمایت کننده و نگهبان قدرتمند وفادار و موجود نجیب و شریف بوده است چنان که در بعضی از باورها و هنرها نیروی شر نیز به آن نسبت داده شده است که می توان در این راستا به اسطوره های بین النهرین مانند اسطوره های بابلی سومری و آشوری اشاره کرد. (مک کال، ۱۳۷۳: ۱۶۳)

از جمله بین اسطوره های سومر، حماسه انزو مشهور است. در این حماسه، انزو که جانوری پرنده شکل با سر عقاب و شبیه به گریفین در نقش برجسته ها تصویر شده پرنده ای شرور و غاصب و جاه طلب است و در نهایت نیز اگر چه فرزند انو (خدای آسمان: خدای بزرگ دوران سومری) است لیکن قهرمان حماسه (نینورته: یکی از خدایان جنگ) او را شکست می دهد. (شکل ۲) همین اسطوره روایت بابلی هم دارد تنها با این تفاوت که قهرمان حماسه شخص دیگری است (نینگیرسو: خدای حامی شهر نینگیرسو) جالب توجه اینکه نینگیرسو از خدایان سومری هم بوده و توسط مردم لاگاش مقدس شمرده می شده نشانه ی مخصوصش عقاب شیر سر

است. جانورانی خیالی شبیه به گریفین در حماسه‌ی بابلی انو یا الیش در توصیف نبرد وروک (خدای پهلوان) با دیوان پیر (تیامات) نیز ذکر شده است. در نمونه‌ای نیز جنگ همین قهرمان یا خدا در حال جنگ باطراحی از سیمرخ ساسانی. جانوری که نیمه شیر و نیمه عقاب است، نشان داده شده است. پوپ تصور می‌کند این پیکره نماد خورشید است و باید کشته شود تا زمین از حرارت آن نسوزد. (همان: ۱۶۴)

شاید همین باورهای مردم بین‌النهرین بوده که در دوران هخامنشی نیز از آن تاثیر گرفته و در کنار شیردال یا هما که مظهر نمادین مفاهیم مثبت و خیر بوده، موجودات هیولایی نیز شبیه به گریفین با سر و بدن و دست‌هایی همانند شیر و تنی پوشیده از پروبال و پاهای چنگال دار در حال مبارزه و کشمکش شاه با ایشان تصویر شده است. (کرمی، ۱۳۷۹: ۴۳)

نمادشناسی گریفین در آثار هنری ایران

دوره پیش از تاریخ

نقوش گریفین به دست آمده از این دوره مربوط به تپه مارلیک، لرسستان و زیویه می‌باشد. هم‌چنین آثاری با نقش موجودات ترکیبی با سر پرنده و بدن چهار پا از ناحیه املش حسنلو به دست آمده است. نقش عقاب نیز روی ظروف سفالی یا مهرهای استوانه‌ای ایران باستان بسیار مشاهده می‌شود. از جمله مهرهای استوانه‌ای ایلام و روی کوزه‌های

سفالی سیلک کاشان عقاب با بال‌های گسترده منقوش است. در کاشی‌های شوش (مربوط به اواخر هزاره‌ی سوم) مدال زرین با نقش عقاب با بال‌های گشوده دیده می‌شود. همچنین آثار مفرغی لرستان، آثار مکشوفه در حوالی املش و مارلیک و کاسه زرین حسنلو (اوایل هزاره‌ی دوم قبل از میلاد) نیز مزین به نقش عقاب می‌باشد. (شکل ۳) اما قدیمی‌ترین نمونه‌ی گریفین در هنر ایران روی ظروف فلزی مکشوفه از تپه مارلیک دیده شده است. جام‌های فلزی به دست آمده از مارلیک به حدود ۳۰۰۰ سال پیش یعنی اواخر هزاره‌ی دوم و اوایل هزاره‌ی اول قبل از میلاد می‌رسند از اشیاء مکشوفه در این ناحیه که تعدادی از آن‌ها از شاهکارهای هنری و آثار نفیس هستند و اشیایی می‌باشند که در آرامگاه‌های مارلیک یافت شده‌اند می‌توان پی برد که اقوام دارای عقایدی راجع به دنیای دیگر بوده‌اند و برای تامین زندگانی اخروی احتیاجات مرده را در آرامگاه وی قرار می‌دادند. بر روی جام طلایی مارلیک چهارشیردال در چهار طرف لبه‌ی بالایی ظرف با نقش برجسته تصویر شده‌اند. نیمه‌ی جلویی این موجودات کمی به عقاب واقعی نزدیک شده اما با این حال تاکید بر جنبه‌ی پرنده بودن این موجود قوی نیست. (شکل ۴) تاثیر و ارتباط ساخته‌های هنری از ادبیات روی جام‌های مکشوفه مارلیک به خوبی مشهود است. مسلماً نقش شیردال روی این جام از ادبیات و داستان‌های اولیه سر

نمایش داده‌اند. گریفین‌های هخامنشی از اندازه‌های بزرگ برای سرستون تا ابعاد کوچک برای زیورآلات ساخته شده‌اند. سرستون‌هایی با نقش این موجودات شکل ساده‌تری دارند و در زیورها و نقش برجسته‌ها، تزیینات و ریزه کاری‌ها در اجرای بال، پیکربندی خشن و قدرتمند بدن، نوع ایستایی، تزیین قسمت سر، گوش و... بسیار زیبا در سبک هخامنشی است. (شکل ۶)

یکی از نقوش شناسایی شده در حاشیه‌ی کنار قالی پازیریک از دوران هخامنشی گریفینی دیده می‌شود که به صورت یک در میان همراه با شیر بال دار تکرار شده است. از آنجا که هنر هخامنشی تمایلی به نمایش صحنه‌های واقعی از خود نشان نمی‌دهد و در نماد و نشانه‌های رمزی جلوه‌گر می‌شود موضوع‌های اساطیر قدیم به صورت خلاصه شده در کار هنری بیان شده است. این موضوع‌ها تنها به صورت مظاهر یا علاماتی است که بعداً در طول تاریخ ایران از آنها تقلید یا اقتباس شده است (ژاله آموزگار، ۱۳۸۵: ۱۷۳)

گریفین‌های هخامنشی که در این دوران بیشتر به‌همراه معروف‌اند فرمی کاملاً استیلیزه شده و انتزاعی دارند. گوش‌ها در طرفین به طرف بالا جزء لاینفک هما هستند تاثیرپذیری از هنر بین‌النهرین رادر شکل‌گیری فرم گریفین در این دوران نباید از نظر دور داشت. نوع دیگر گریفین که مختص دوران هخامنشی و از ابداعات این زمان می‌باشد گریفین شاخ‌داری

چشمه گرفته است و ارتباط و تاثیر ادبیات این اقوام روی ساخته‌های هنری را به خوبی نمایان می‌کند. (نگهبان، ۱۳۷۸: ۶۵)

چنانچه گفته شد در بین آثار مفرغی لرستان نیز بعضاً نقش عقاب دیده می‌شود اما به طور مشخص روی یکی از این آثار دو موجود ترکیبی با سر عقاب و بدن شبیه به شیر دیده می‌شوند البته این دو موجود فاقد بال و چنگال می‌باشند. این موجودات شبیه به شیردال در دو طرف درخت زندگی در حال محافظت و مراقبت از آن هستند فرم منقار کاملاً طبیعی و عقاب بودن نیمه جلو کاملاً محرز است یکی دیگر از نمونه‌های گریفین سرورس طلایی کوچک به بلندی ۸ سانتی‌متر است که از زیویه‌ی کردستان به دست آمده و مربوط به قرن پنجم قبل از میلاد است. (شکل ۵) این سر گریفین همراه با پنجه‌های شیر و منقار گشوده با ترکیب هنری زیبا کار شده است. از دو طرف سر دو گوش برجسته دیده می‌شود که در نمونه‌های قبلی هنرایران به این وضوع دیده نمی‌شد. (همان: ۶۹)

دوره تاریخی (باستان)

دوره هخامنشی

نمونه‌های گریفین یا شیردال دوران هخامنشی به تاریخ ۵۰۰ قبل از میلاد برمی‌گردد. از لحاظ فرم هنری این موجودات خاص دوران هخامنشی شده‌اند و بیشترین نمونه او به یاد ماندنی‌ترین گریفین‌ها را در بین تمام دوران‌ها

پنجه های شیر شباهت دارد. حالت سربرگشته و متأثر از هنر هخامنشی است لیکن شکل سرو قسمت انتهایی بدن با نمونه‌ی هخامنشی کاملاً تفاوت دارد هم چنین روی تعدادی از طلسم های اشکانی نقش گریفین دیده می‌شود. در یکی از این تصاویر ارد سوم که به شکل بال‌دار منقوش شده سوار بر موجودی شبیه گریفین دیده می‌شود. (مربوط به سده دو تا سه قبل از میلاد).

بدن و پنجه‌ی گریفین روی این طلسم‌ها جواهر نشان است. از نظر فرم تاثیر هنر یونان را بر گریفین‌های اشکانی می‌توان مشاهده کرد. نقش عقاب در زمان ساسانی از اهمیت بالایی برخوردار است. در بسیاری از آثار ساسانی نقش عقاب یا تنها بال‌های عقاب تصویر شده اما نقش شیردال یا گریفین به شکلی که تا پیش از این رایج بود در این دوره تغییر می‌کند به این معنی که آنچه تا به حال عنوان گریفین یا شیردال داشته موجود ترکیبی است که مشخصاً سر عقاب دارد، اگر چه در بقیه‌ی قسمت‌ها تفاوت‌های فرمی بین گریفین‌ها وجود دارد. (عرب گلبایگانی، ۱۳۷۶: ۱۳۱)

در زمان ساسانی نقش پرنده‌ای رایج و متداول می‌شود که به سیمرغ ساسانی معروف است. این پرنده ترکیبی است از بدن شیر سری شبیه به سگ یا شیر با بال‌ها و چنگال عقاب و بعضاً دم‌ی از پرهای طاووس بعضی‌وی را ازدهای بال‌دار ساسانی نیز نامیده‌اند. درهر

است که نمونه‌های زیورآلات هخامنشی دیده می‌شود روی این زیورآلات (بازوبند یا دستبند) به ترکیب سرعقاب و دست‌های شیر با پنجه پرنده دوشاخ نیز اضافه شده است. (شکل ۷) اضافه کردن شاخ جنبه‌ی احترام و تقدیس این موجود را مضاعف می‌کند چنانچه در بخش نمادشناسی بیان شد نقش گریفین در همه‌ی موارد تنها مظهر و نماد مفاهیم خیر و مثبت نبوده بلکه بعضاً در معنای متضاد و طبایع دوگانه نیز در هنرها ظاهر شده، یعنی اتفاقی که در هنر بین‌النهرین رخ داده است. لیکن در هنر هخامنشی نیز موجودی ترکیبی شبیه به عقاب و شیر در نقش برجسته‌ها کار شده که قطعاً موجودی غیر از هما بوده است. در قصر صدستون تخت جمشید متعلق به ۴۸۰ قبل از میلاد، چهار در طرفین تالار وجود دارد که شاه را در حال جدال با موجودی است که سرش به شکل سر یک مرغ شکاری چون عقاب و دمش شبیه دم شیر است، نشان می‌دهد. (شکل ۸) (کریمی، ۱۳۷۹: ۴۵)

گریفین در دوره‌ی اشکانی و ساسانی:

نقش گریفین در هنر اشکانی از اهمیت کمتری نسبت به گذشته برخوردار است. آخرین نمونه از گریفین به شکل و ترکیبی که تا آن زمان متداول بوده در هنر اشکانی بر روی بشقاب نقره کوب و طلاکوب پارتی موجود است. از جمله بشقاب گوژکاری که تصویر گریفین روی آن دارای بدن شیر است، و پنجه‌ها نیز به

را می توان پردازش تقریباً طبیعت گرایانه بدن جانور (با تاکید بر ماهیچه ها) و کوچک بودن جثه بدن نسبت به سر عقاب گونه آن دانست. شاید دلیل آن تاکید بیش از حد روی نقش عقاب در زمان ساسانی می باشد. (محمودی، ۱۳۷۷: ۱۵۵)

نتیجه گیری:

بر اساس نتایج بدست آمده در این پژوهش می توان چنین نتیجه گیری نمود: گریفین (شیر دال) موجودی اسطوره ای - ترکیبی است که به باور پژوهشگران و باستان شناسان پیدایش آن به دوره های کهن باز می گردد. این موجود ترکیبی متشکل از بدن شیر - سر عقاب و گوش اسب ریشه در داستان های کهن ملل مختلف دارد و در هنر ایران - بین النهرین - مصر - یونان و هند ظهور یافته است. با فرم های متفاوت بین هنر اقوام مختلف دوران تاریخی گوناگون تجلی یافته، نام های متفاوت و خاستگاه گوناگون نیز برای آن ذکر شده است. برخی پژوهشگران، خاستگاه این موجود را شمال آسیا متعلق به سیت ها (سکاها) می دانند.

گریفین در دوره های مختلف نماد مفاهیم گوناگونی چون قدرت - خردورزی - مظهر پادشاه - سعادت و خوشبختی بوده است. در ادبیات ایران در دوره هخامنشی این پرنده هما نامیده می شده و گریفین را نگهبان در برابر اهریمن جادو و دروغ می دانستند.

صورت این فرم جدید که نشان ایران ساسانی بوده تا پیش از آن به این شکل در آثار هنری سابقه نداشته است. این پرنده ای ساطیری و غول آسای ایرانی که به طور عموم در تمام آثار هنری ساسانی از فلز، سنگ و منسوجات دیده می شود مفهوم رسانیدن خوشبختی و به خیر بودن زندگی را برای دارنده آن داشته است. همانطور که گفته شد به نظر می رسد سیمرغ ساسانی همان گریفین یا شیردال هخامنشی است که هر دو ریشه مشترک در ادبیات و داستان های اسطوره ای و متون پهلوی و سروده های مذهبی هند و ایرانی دارند با پذیرش این احتمال نمونه های سیمرغ ساسانی را می توانیم به این بخش اضافه کنیم. بیشترین نقش بر روی بافته های ساسانی همین نقش سیمرغ گونه است اما فرم خاص دیگری شامل تصویر شیر و عقاب دوسر می باشد اما در کنار این نقش قالب فرم دیگری از ترکیب شیر و عقاب در هنر ساسانی دیده می شود که به زعم نویسنده کاملاً ویژگی های فرمی گریفین را داشته و می تواند مشخصاً عنوان گریفین به خود بگیرد اگر چه برخی آنرا شاهین و برخی سیمرغ نامیده اند. در روی کاسه ای سیمین که جریان تاج گذاری بهرام چهارم را نشان می دهد پایه های تخت از دو گریفین تشکیل شده است. سر این موجود شبیه به عقاب (منقار آن کاملاً شبیه به منقار عقاب است با بدن شیر مانند، دارای دو بال کوچک گشوده در طرفین است. تفاوت های فرمی این گریفین با اسلاف خود

هخامنشی این موجود اسطوره ای-ترکیبی بیشتر تحت تاثیر هنر بین النهرین و گوشی به بالا به سرعقاب اضافه می شود. اما نمونه پیشین متأثر از هنر مارلیک می باشد. و در هنر هخامنشی تاثیر مارلیک را نمیتوان نادیده گرفت. در دوره اشکانی این موجود اسطوره ای ترکیبی کم رنگ تر و متفاوت تر شده و در نهایت به تغییر شکل فرمی این موجود اساطیری و با عنوان سیمرخ (بدون سرعقاب) در دوره ساسانی ختم شده است.

منابع:

۱. اندره، گدا، (۱۳۷۷)، هنر ایران، بهروز حبیبی، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۲. خلف تبریزی، محمد حسین، (۱۳۷۲)، برهان قاطع، تهران: نشر نیما.
۳. عرب گلپایگانی، عصمت، (۱۳۷۶)، اساطیر ایران باستان، ج اول، تهران: انتشارات هیرمند.
۴. کرمی، مهرناز، (۱۳۷۹)، بررسی تاثیرات متقابل موجودات افسانه ای - ترکیبی دو تمدن کهن ایران و بین النهرین بر یکدیگر با تاکید بر شکل و معنا، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
۵. طوسی، محمد بن محمود ابن احمد، (۱۳۴۵)، عجائب المخلوقات، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

"بر اساس فرضیات علمی نگارنده در این پژوهش می توان گفت: گریفین (شیر دال) موجودی اسطوره ای-ترکیبی است، که از ترکیب بدن شیر-سرعقاب و گوش اسب تشکیل شده است. شیر نماد: نگهبان-محافظ - امنیت و قدرت. عقاب نماد: توانایی و عظمت. اسب نماد: اصالت و نجابت می باشد. پس گریفین نماد نگهبان در برابر شر و بدی، و محافظ صلح و امنیت بوده و بزرگی، قدرت و اصالت قومی پیش از تاریخ و باستان ایران را نشان می دهد. همچنین باورها و عقاید ملی - مذهبی را منعکس و بعنوان یک اسطوره ملی-مذهبی تلقی می شده است. این موجود اسطوره ای - ترکیبی احتمالاً در نزد مردم مورد احترام و تقدس بوده ولی با عقاید و باورها و اشکال فرمی متفاوت و متغایر. همچنین نقش این موجود بر روی آثار هنری و معماری ایران خلاقیت هنری و مهارت هنرمندان و علایق زما مداران حکومتی (سلاطین) به فرهنگ، تمدن و هنر را نشانگر بوده است. در برهه های مختلف حکومتی ایران بنا به شرایط قومی، فرهنگی، باورها، اعتقادات و روابط با ملل متمدن و تاثیر و تاثر در هنر ایران در شکل فرم و نام این موجود اسطوره ای-ترکیبی تغییراتی رخ داده است." (این فرضیات قابل پذیرش می باشد.)

نخستین نمونه های گریفین مربوط به هنر مارلیک ۱۲۰۰ ق م شروع شده و بهترین نمونه آن در هنر هخامنشی رسیده، نمونه های

۶. محبی، حمید رضا، (۱۳۷۲)، مطالعه و بررسی نقوش شکار در هنر ایران، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.

۷. محمودی، فغانه، (۱۳۷۷)، بررسی نقوش تزئینی هنر دوره ساسانی، تهران ۱۵۵- ژاله آموزگار، (۱۳۸۵)، شناخت اساطیر ایران، تهران: انتشارات هیرمند.

۸. نگهبان، عزت ا. . .، (۱۳۷۸)، حفاری مارلیک، ج اول، تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی.

۹. وستا سرخوش، کرتیس، (۱۳۸۱)، اسطوره های ایرانی، عباس مخبر، تهران: نشر مرکز.

۱۰. هنریتا، مک کال، (۱۳۷۳)، اسطوره های بین‌النهرین، عباس مخبر، تهران: مرکز نشر



شکل ۱- شئی فلزی با طرح گریفین متعلق به قوم سیت قرن ۴ ق. م. (اندره گدا، ۱۳۷۷: ۱۷۲)



شکل ۲- اثر یک مهر استوانه ای در بین التحرین که نینورته را کمان کشیده در حال دنبال کردن انزوی پرنده (با سرعقاب) نشان می دهد. (کریمی

۱۳۷۹: ۸۶)



شکل ۳- آینه فلزی لرستان (نگهبان، ۱۳۷۸: ۲۱۰)



شکل ۴- جام طلایی مارلیک، اولین نمونه طرح گریفین در هنر ایران حدود ۱۲۰۰ ق. م (نگهبان، ۱۳۷۸: ۲۱۱)



شکل ۵- سردیس گریفین ۵۰۰ ق. م زیویه (نگهبان، ۱۳۷۸: ۲۱۲)



شکل ۶- نقش گریفین در سرستون های تخت جمشید (نگارنده، ۱۳۹۳)



شکل ۷- گریفین شاخ دار با ترکیب سرعقاب و دست های شیر با پنجه پرنده (آموزگار، ۱۳۸۵: ۱۹۰)



شکل ۸- تالار صد ستون نبرد پهلوان با جانوری که دارای سری شیبی سر پرنده است ، درگاه شمالی دیوار غربی تخت جمشید (کرمی، ۱۳۷۹: ۹۰)



شکل ۹- شکلی از سیمرغ ساسانی. (محمودی، ۱۳۷۷: ۱۷۲)